

درخواست طلاق به خاطر بخشش اموال

بخشش ارثیه، زندگی زوج میانسال را به نابودی کشاند. مرد میانسال وقتی تمام اموالش را وقف خیریه کرد، زندگی مشترکش به دادگاه کشیده شد. این زوج درخواست طلاق توافقی خود را به قاضی دادگاه خانواده تهران ارائه کردند. همسر این مرد وقتی در مقابل قاضی دادگاه خانواده

سیمافراهانی
تپش

قرار گرفت، گفت: ۳۳ سال پیش با مجتبی ازدواج کردم. این همه سال در کنار

هم زندگی کردیم، ولی تازه همسر مرا شناختم. او کاری با من و فرزندانش کرد که قابل بخشش نیست. چند روز پیش بود که متوجه شدم مجتبی من و بچه هایمان را دوست ندارد. چند وقت پیش او با ما دعوا کرد. درگیری ما شدید شد. تا جایی که پسر من از خانه قهر کرد و رفت. بعد از آن شوهرم عصبانی شد. گفت دیگر ما را نمی خواهد. او به همه ما گفت هیچ سهمی از اموال او نخواهیم داشت. فکر می کردم از روی عصبانیت این حرف ها را می زند؛ ولی او تنها به خاطر یک دعوای خانوادگی و قهر با من و فرزندانش، تمام اموالش را وقف خیریه کرد. اولش تصور کردیم این کار را انجام نمی دهد. گفتم یک حرفی زده است و هیچ وقت به آن عمل نمی کند. ولی چند روز بعد متوجه شدم تمام اموالش را بخشیده است. او وصیت نامه ای تنظیم کرد و من و فرزندانش را از ارث محروم کرد. او نوشت من و فرزندانش هیچ سهمی از ارثیه او نخواهیم داشت. وقتی این موضوع را فهمیدیم، برایمان مشخص شد او خانواده را برای همیشه از زندگی اش حذف کرده است. از این اختلافات و مشکلات خانوادگی همیشه پیش می آمد. ولی شوهرم بدترین انتقام را از ما گرفت. او کاری کرد که قابل بخشش نیست. همین شد که من به پیشنهاد فرزندانش تصمیم گرفتم برای همیشه از این مرد جدا شوم و با فرزندانش زندگی کنم. ما هیچ کدام دیگر نمی خواهیم مجتبی را ببینیم. آقای قاضی مشکل ما بخشش اموال نیست. خدا را شکر وضع مالی فرزندانش خوب است و به ارث پدرشان هیچ نیازی ندارند؛ اما انجام این کار از روی انتقام و نادیده گرفتن ما در زندگی اش باعث شد از رفتار و تصمیم او عصبانی شویم.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی همسر من فقط این کار مرا می بیند. در صورتی که در این سال ها همیشه عذابم دادند. از این که همسر و فرزندانش مرتب به خاطر ارث و میراث و اموال من به جان هم می افتادند، خسته شده بودم. آنها مرا هم آزار می دادند. من یک پسر دارم و سه دختر که همیشه به خاطر پول و ثروت جلوی چشم من بر سرارث و میراث می جنگند. همسر من همین طور. خیلی وقت است که به من اهمیتی نمی دهد. من سال هاست از طرف خانواده ام طرد شده ام. در واقع خودم به تنهایی زندگی می کنم. برای همین با خودم گفتم بهتر است اموال را به خیریه ببخشم. با این کار هم کار خیری کرده ام و هم خانواده ام را از این همه جنگ برای ارثیه نجات دادم. حالا هم می خواهم از همسر

جدا شوم. او برود و با فرزندانش زندگی کند.

آنها چون می دانند دیگر از

من ارثی به آنها نمی رسد،

برای همین تصمیم به

جدایی گرفته اند.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این

زوج را از جدایی منصرف کند، ولی

وقتی اصرار آنها را دید رسیدگی به

این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از

این زوج خواست در این فرصت پیش آمده با یک

مشاوره خانواده مشورت کنند.

به مسائل خانوادگی یکطرفه نگاه نکنید

سارا شقاقی، روان شناس در این باره می گوید: طلاق تجربه تلخی است که امکان دارد در هر سنی اتفاق بیفتد. این پدیده فقط در میان زوج های جوان رخ نمی دهد. زوج های میانسال یا سالخورده هم هستند که پس از سال ها زندگی مشترک تصمیم به جدایی می گیرند تا بقیه عمر خود را به تنهایی بگذرانند. معمولا اختلاف سلیقه قدیمی، سکوت به خاطر فرزندان، تفاوت های شخصیتی زوج ها و تغییرات خلقی پس از سال ها زندگی مشترک، می تواند از عوامل رایج جدایی در سنین بالا باشد. طلاق در دوران سالمندی اغلب دلایل خاص خود را دارد. اختلاف و مشکلی است که از سال ها قبل به وجود آمده و به مرور زمان زندگی زوج را تحت تاثیر قرار داده است. از طرف دیگر افزایش سطح فرهنگ و دانش و تکنولوژی در جامعه باعث شده افراد در سنین بالا نگاهی جدید به زندگی داشته باشند. در این پرونده این زوج از قبل مشکلاتی داشته اند که مانند آتش زیر خاکستر بود، تصمیم یکطرفه شوهر برای بخشش اموالش و نادیده گرفتن خانواده اش به این آتش دمید و باعث شعله ور شدن آن شد. این اتفاق هم سرانجامی جز درخواست جدایی نداشت. زوجین در هر سنی برای تصمیم گیری درباره زندگی نباید یکطرفه به موضوع نگاه کنند و همیشه طرف مقابل را در نظر بگیرند.



فاجعه اشتراکوه

۱۷ آذرماه ۹۶ تیم کوهنوردی مشهد برای فتح قله «کول جنو» کارش را در ارتفاعات اشتراکوه لریستان شروع کرد. این تیم ۱۴ نفره همراه یک مسیر یاب محلی که از کوهنوردان لریستان بود صعود خود را آغاز کردند. آنها ۶ صبح حرکت را آغاز کردند و طبق برنامه باید ساعت ۱۲ به قله می رسیدند اما برنامه آنها با تاخیر همراه شد و ساعت ۱۵



وقتی به قله رسیدند با برف و کولاک شدید روبه رو شدند. این قله یکی از معدود قله ایران است که مسیر صعود و بازگشت متفاوتی دارد. تیم در مسیر بازگشت دچار اشتباه می شود و تعدادی برای یافتن مسیر به سمت جان پناه می روند و عده دیگر اشتباهی وارد دهلیز قله می شوند و همان لحظه بهمنی در پهنای ۳۰۰ متر سقوط

می کند و تیم کوهنوردی را با خود می برد. باتوجه به محل سقوط بهمن و احتمال ریزش بهمن دوباره، کار جست و جو در دهلیز به کندی پیش رفت و هشت جسد با گذشت حدود یک هفته از حادثه پیدا شد، همچنین یکی دیگر از کوهنوردان که برای پیدا کردن مسیر از تیم جدا و یخ زده بود، در بیمارستان جان باخت تا این صعود ۹ کشته همراه داشته باشد. دو نفر از فوتی های این حادثه زنان کوهنورد عضو تیم بودند.

در زمان ریزش بهمن چه باید کرد؟

باریزش بهمن همیشه صدها تن برف به یکباره از ارتفاعات سقوط می کند و بعد از چند صد متر حرکت می ایستد، بهمن به علت حجم و وزن زیاد هرچه سرراش باشد را با خود می برد و دفن می کند. در مواقع بروز بهمن در ارتفاعات و گیر افتادن در مسیر آن بهتر است به محل امن فرار کنید، یعنی به صورت شنا خود را روی بهمن بیاورید و به طرف بالا و سمت راست یا چپ و، به سمت عوامل بازدارنده (مثل: سنگ، درختچه و...) حرکت کنید. باید اشیاء و تجهیزات فلزی و برنده را از خود دور کنید. هنگام گیر افتادن در بهمن، اشیاء همراهتان را به سمت بالا و روی برف پرت کنید تا امدادگران بتوانند با مشاهده وسایل، مسیر شما را بتوانند پیش بینی کنند. اگر در بهمن فرو رفته اید سعی کنید با کمک دست ها، یک پاکت یا کیسه نایلونی را جلوی صورتتان قرار دهید، زیرا بیشتر مرگ و میر ناشی از بهمن به خاطر خفگی است، لذا ایجاد فضایی برای ورود هوا و نفس کشیدن مهم ترین کاری است که می توانید انجام دهید.